



مقدمه

گفتن ندارد که ایده این تکنگار، نه چندین کوتاه (احتمالاً) طنز آمیز درباره شخصیت‌های علمی و سیاسی تاریخ، از کتاب مفخم «چنین که دبیر گان گرفته شده است. کتابی که فارغ از این که چقدرش را خند بریزد، «دایره» و «خطاط» و سقوط غالب اشخاص» نوشته و به پیش از بر نامه شدن «نجف در یابندری» (که ایزد عمر طولانی و نامشروع) به ترجمه یا تألیف در آمده، بی تردید از قلم‌های تاریخی و علمی فارسی است. کتابی که نگارنده، بارها و بارها (و بارها) از آن راجحه و حتی بعضی قسمت‌هایش را از حفظ است، و از انگشتش، متونی است که واقعا چیزی از آن یاد گرفته، نشان به آن نشان ده هنوز دارد از آن نان می خورد. البته این اتفاق - الگو برداری از کتاب نجف - اولین بار در این تکنگاری‌ها نیفتاده و طی این سال‌ها، به دفعات و به اشکال گوناگون، این مسیر در نوشته‌های فراوان منبع تقلید یا اقتباس یا الهام طنز نویسان مختلف کشور قرار گرفته است؛ در این حد که می‌شد برای خود شیرینی هم شده، ابتدای این کتاب نوشت: «پیش کش به نجف»، تا به نمایندگی از آن خیل عظیم، کمی تقاسمی به این استاد بزرگ و باهوش و لطیف و شیرین زبان، ادای دینی کرده باشیم، اما چون بی شک قبر این هدیه، خرد تر و ناچیز تر از شأن استاد است، از نوشتنش صرف نظر شد. البته تقدیم حق التحریر این تکنگاری‌ها (یا دست کم بخشی از آن‌ها)، قطعاً بیشتر مورد پسند خود جناب در یابندری بود و بی تردید با استقبال و پذیرش ایشان همراه می‌شد، اما نگارنده چه کند که نان آور دست کم دوسر عائله است و این حد از جود و کره، از پضعش خارج.

اگر از احوال این مجموعه توضیح بیشتری خواستید، باید به عرض برسانیم که همه آن‌ها قبلاً و در مدت زمانی نزدیک به دو سال، تقریباً پیوسته و منظم و هفته در میان در صفحات «فانتری دانش» نشریه محترم «دانشستپا» به زبور طبع آراسته گردیده‌اند (هر چند بدقولی‌ها و تنبلی‌های تمام ناشدنی

نگارنده، گاهی این تناوب انتشار را به وقفه یا سکنه یا اغما انداخته است). در ذکر مناقب و سکنات و وجنات هر کدام از چهره‌های تاریخی‌ای که در ادامه شرح‌شان را خواهید خواند، راست و دروغ و تخیل و افسانه و داستان، همه به شکلی جدائاً پذیر در هم تنیده شده‌اند؛ لذا استفاده از این کتاب به عنوان مرجع تاریخی یا استناد به هر کدام از ادعاهایش در هر بحث مهم و جدی، ذنب لایغفر و حرام ابدی، و مسئولیت آن، صرفاً متوجه شخص خطاکار است، مگر آن که پیش از این صلاحیتش برای تشخیص دوغ از دوشاب، در مراجع ذمه صلاح مورد تأیید قرار گرفته باشد؛ علی‌ای حال نگارنده، این زمینه از حیز انتفاع ساقط می‌باشد و نباید رویش حساب باز کرد. ضمناً چون متن‌ها از ابتدا برای انتشار هفتگی در مجله نوشته شده‌اند، ناگزیر بخشی از شوخی‌هایشان از دل ارجاع به مسائل روز و تاریخ مصر فدار به دنیا آمده و لذا اگر به قول معروف، «کننه را نگر فتید تا لایک را بگویند»، یا به بزرگواری خودتان، بسط پیدا «دیپ اسکن» حافظه‌تان در سال‌های اخیر، سعی کنید رجوع ضعیف را بیلید یا این که خوب چه کار کنیم؟ همین است.

زیاده از این دیگر عرضی نیست. غرض از ذکر از محمدرضا دوست محمدی عزیز که باطنی‌های باز، دوشانه و رندانه‌اش، این صفحات را رنگ و بویی دیگر بخشید، این سانس سیاست از مجله دانستنیها و مؤسسه همشهری، و البته زهرا اسدینی و علی سیف‌الهی که زحمت طاقت فرسای «هزار بالا» به این نویسنده بدقول را دو سال تمام هر دوهفته یک‌بار، به دوش کشیدند و دندان خشم بر جگر خسته، بستند و رفتند، و پیش از همه این‌ها، از محمد جباری که اگر پیشنهاد و همت و پیگیری مجلدانش نبود، هرگز چنین کتابی منتشر نمی‌شد، بدون تعارف!

سیداحسان عمادی

پرہم اٹھلت فلزی
واٹھلت بتونی پیدا
نگدرہم اما جاش یہ
اٹھلت لیر آورہم
اصل جن!



۵۷

۴۰ ش

۵۴

۲۲ پزشکی

۵۱

۵۶ ریاضیات

۵۸

۴۶ اقتصاد

۵۵

۲۸ جغرافیا

۵۲

۱۲ خط

۵۹

۵۲ باستان شناسی

۵۶

۳۴ فلسفہ

۵۳

۱۶ نجوم

مقدار و اندازه معصم نیست! معصم
فضیلت کبردار آدمی است شدم
انسان با هر چیزی پیر می شود
اما دریغ اندیشه کجا هر خوراک
توان آن را سیر نمود

تو از حیضت خجلت نمی کشی؟!
مرد عاقل بطنی واسه شام دایه سور
شکار می کنه اوج وقت تو واسه
من مارمولک میاری؟



۱۰
۵۸ ریاتیک

۱۱
۶۴ فیزیک

۱۳
۷۶ ریانه

۱۳
۷۰ معماری